



تبیین مجموعه قوانین و مقررات حوزه صنایع دستی در تطبیق با قواعد حقوقی ایران و انگلیس

حسین رونده ^۱id

^۱ گروه حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. hosainravande@gmail.com

چکیده

یکی از حوزه‌های مهم قوانین در جوامع مختلف، قوانین مربوط به حوزه اقتصادی و عرصه‌های مختلف آن است. در این میان، صنایع دستی به‌عنوان یکی از عرصه‌های اقتصادی سنتی، نیازمند توجه و بازنگری جدی است. این حوزه در حقوق انگلیس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تطبیق قواعد حقوقی ایران و انگلیس می‌توان نکات مهمی را در این باره آشکار سازد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که پس از انعقاد یک قرارداد، براساس اصل لزوم قراردادهای، قرارداد باید از سوی طرفین عقد اجرا شود و طرفین ملتزم به مفاد آن هستند. اما در برخی از موارد فارغ از تخلفات طرفین تعهد، قرارداد به عللی که خارج از اراده طرفین است، قابلیت اجرای خویش را از دست داده و یا در صورت امکان اجرا، انتفاع و هدف مشترک مورد تراضی طرفین را دربر نخواهد داشت. در حقوق انگلیس این نوع از عدم امکان اجرای قرارداد یکی از شقوق قاعده عقیم شدن است. در حقوق ایران این موضوع به صراحت از سوی قانون‌گذار و یا حقوقدانان مورد توجه قرار نگرفته است. اما با توجه به بعضی از مواد قانون مدنی و قانون تجارت و استفاده از فحوای کلام حقوقدانان و فقها و استفاده از برخی قواعد فقهی می‌توان بر این نظر بود که نظریه عقیم شدن قرارداد به علت انتفای هدف در حقوق ایران نیز قابلیت اجرا دارد.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی تطبیقی قواعد حقوقی ایران و انگلیس.
۲. بررسی مجموعه قوانین در حوزه صنایع دستی.

سؤالات پژوهش:

۱. قواعد حقوقی ایران و انگلیس دارای چه ویژگی‌های است؟
۲. در حوزه صنایع دستی چه قوانینی وجود دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۴۱۳ الی ۴۲۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

قواعد حقوقی، صنایع دستی، ایران، انگلیس.

ارجاع به این مقاله

رونده، حسین. (۱۴۰۲). تبیین مجموعه قوانین و مقررات حوزه صنایع دستی در تطبیق با قواعد حقوقی ایران و انگلیس. مطالعات هنر اسلامی، ۴۹(۲)، ۴۱۳-۴۲۹.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.49.25](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.25)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.376215.2112

مقدمه

پس از انعقاد قرارداد طرفین آن عقد ملزم به انجام قرارداد فی مابین با حسن نیت هستند. هرگاه یکی از طرفین قرارداد به عللی از انجام آن سرباز زند، طرف دیگر مستندات به مواد ۲۳۷ به بعد، قانون مدنی حق الزام او را به انجام عقد خواهد داشت و اگر انجام عقد توسط طرف معامله ممکن نباشد حق دارد به هزینه او اما توسط شخص دیگر آن را انجام دهد. البته این نوع از اجرای عقد در صورتی امکان پذیر است که مباشرت شخص طرف معامله شرط انجام آن نباشد. (ماده ۲۳۹ ق م) در نهایت اگر انجام عقد امکان پذیر نباشد طرف معامله حق فسخ معامله را خواهد داشت. اما در بعضی موارد عدم اجرای تعهد مستند به امتناع متعهد نیست. در چنین مواردی می توان در یک دسته بندی سه دسته عوامل را از یکدیگر جدا ساخت. ۱. عوامل مربوط به شخص متعهد؛ ۲. عوامل مربوط به موضوع تعهد؛ ۳. عوامل مربوط به خود قرارداد. در حقوق انگلیس برخلاف حقوق ایران مبحث خاصی تحت عنوان (Discharge by Frustration) به این موضوع اختصاص داده شده است و در اکثر کتب حقوقی آن کشور به آن پرداخته شده است. در حقوق انگلیس موارد عدم امکان اجرای تعهد را تا دوازده مورد نیز برشمرده شده است. در حقوق ایران تقسیم بندی مذکور در هیچ کتابی به صورت مدون مشاهده نشده است. بلکه صرفاً به طور پراکنده و متناسب با نیاز عقود مختلف، حقوق دانان این موارد را مطرح کرده و مورد بررسی قرار داده اند.

اگر بخواهیم برای هر کدام از سه دسته فوق مثالی در حقوق ایران بجوییم برای دسته اول می توان از جر و فوت متعهد، برای دسته دوم از تلف مبیع قبل از قبض یا تلف عین مستاجر قبل یا در طی اجاره و برای دسته سوم، نامشروع شدن انجام تعهد یا تغییر بنیادین شرایط قرارداد را نام برد. حقوق ایران در بسیاری از موارد به تبعیت از فقه شکل گرفته و تدوین شده است، فقها موارد عدم امکان اجرای قرارداد را به تکلیف مالایطاق تفسیر می کند. گاهی بدون اینکه اجرای قرارداد و عملیات موضوع آن غیرقابل اجرا شود، شرایطی به وجود می آید که هدف طرفین از انعقاد قرارداد تحت تأثیر قرار گرفته و آن را عقیم می کند و به عبارت دیگر، اجرای قرارداد برای یک یا هر دو طرف قرارداد بی فایده می گردد. در این مورد اجرای قرارداد به لحاظ مادی و قانونی با مشکل مواجه نیست، بلکه مقصود طرفین از انجام قرارداد دیگر قابل اجرا یا دسترسی نیست. به عنوان مثال، شخصی در طی یک قرارداد تعهد می نماید که ظرف مدت معین نسبت به مهار دیواره های رودخانه ای برای جلوگیری از خطر وقوع سیل استحکاماتی را در طرفین رودخانه انجام دهد، اما در حین یا قبل از اجرای قرارداد رودخانه خشک شده یا تغییر مسیر می دهد. در این حالت اجرای تعهد از لحاظ مادی و قانونی امکان پذیر است، اما هدف طرفین را تأمین نمی کند. این نوع از عدم امکان اجرای قرارداد در پرونده معروف مراسم تاج گذاری ادوارد هفتم در سال ۱۹۰۲ در انگلیس مورد توجه قرار گرفت که در طی آن پرونده در محاکم انگلیس، اولین بار نظریه «انتفاء هدف^۱» در حقوق انگلیس مطرح شد.

^۱ . Frustration of Purpose.

انتفاع هدف قرارداد یکی از شقوق نظریه عقیم شدن در حقوق انگلیس است. در حقوق ایران نظریه‌ای معادل نظریه انتفاع هدف در حقوق انگلیس وجود ندارد و موارد عدم امکان اجرای قرارداد که به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد در یک دسته‌بندی واحد و مجتمع جمع‌آوری نشده است. در ابواب مختلف قانون مدنی که اصولاً بر مبنای ابواب مختلف فقه تنظیم شده است، هیچ نوع توجهی به صورت متمرکز به این موضوع نشده است. لاجرم اکثر حقوق دانان نیز باتوجه به عدم وجود سابقه، توجه خاصی به این موضوع نکرده‌اند و بر همان مبنای قانون، مسائل را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و کم‌تر کسی به این موضوع به‌طور خاص پرداخته است. آذر حوزه صنایع دستی نیز انگلیس دارای قوانین منسجم‌تری نسبت به ایران است. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است به این موضوع می‌پردازد.

۱. قوانین و مقررات حوزه صنایع دستی

اصولاً صنایع دستی بخشی از هنر و صنعت ملی ماست که علاوه بر جنبه‌های تولیدی اقتصادی، فرهنگ و ارزش‌های ملی و نیز خلاقیت و بینش‌های فلسفی و ذوق هنری اقوام ساکن در هر نقطه‌ای از کشورمان را منعکس می‌سازد. به زبانی دیگر، صنایع دستی و هنرهای بومی سنتی وابسته به صنایع دستی، علاوه بر جنبه اقتصادی، زبان گویای تاریخ اجتماعی جوامع و نمایان‌گر فرهنگ‌ها و هنرهای قومی مردم ایران هستند. شاید برای بسیاری از مردم، مفهوم صنایع دستی و اینکه صنعت دستی به چه صنعتی گفته می‌شود و ارزش‌های هنری، فرهنگی و اقتصادی این بخش مهم از فعالیت ملی در کجا نهفته است، دقیقاً مشخص نباشد، اما به هر حال ذکر این نکته ضروری است که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان حتی در صنعتی‌ترین کشورها به فعالیت اقتصادی صنایع دستی به گونه‌ی منبع اساسی برای تولید کالا به‌ویژه کالاهای صادراتی و وسیله‌ای با اهمیت برای ایجاد اشتغال، صادرات و غیره نگریسته می‌شود (پریشان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱).

صنایع دستی از مصادیق هنرهای تجسمی بوده و در نظام حقوقی ایران رویکرد یکسانی در مورد آن وجود ندارد. حقوق ایران می‌تواند در نظام‌های حق مؤلف و یا طرح صنعتی، نشانه جغرافیایی و علامت تجاری مورد حمایت قرار گیرد. در توافقنامه تریپس نحوه حمایت به صورت کلی و بیشتر به جنبه‌های تجاری حقوق مالیکت فکری پرداخته شده و درخصوص حقوق ادبی و هنری به کنوانسیون ارجاع شده است. حفاظت از فرهنگ و کالاهای مبتنی بر فرهنگ، بخش قابل توجهی از تلاش‌های یک ملت و دولت را برای حفظ میراث فرهنگی ملی، توسعه‌ای پایدار و کاهش فقر تشکیل می‌دهد. در کشورهای در حال گذار به توسعه، برای سیاست‌گذاری دولت و بخش خصوصی، به‌منظور پی‌ریزی تجارتي

۱. از جمله کسانی که این موضوع را به‌صورت یک‌جا مورد بررسی قرار داده‌اند می‌توان از دکتر سید مصطفی محقق داماد در کتاب قواعد فقه بخش مدنی (۲) انتشارات سمت، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۱، ص ۱۵۰ به بعد و دکتر مهدی شهیدی در کتاب آثار قرارداد و تعهدات انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۱۳۸۲، ص ۱۱۵ به بعد نام برد.

موفق و افزایش ثروت و حفظ هویت و تنوع فرهنگی، دفاع از منافع کارآفرینان صنایع دستی در برابر رقابت ناعادلانه‌ای مهم است (قمصوریان و تفرشی، ۱۴۰۰: ۱۳۳-۱۳۴).

۲. مفهوم قاعده انتفاع هدف قرارداد

اجرای قرارداد منوط به امکان اجرای آن است و قرارداد غیرممکن قابل اجرا نیست. از طرفی نه اخلاق و نه حقوق، چیزی فراتر از توانایی‌های یک شخص را بروی تحمیل نمی‌کند؛ لذا در جایی که به دلیل عوامل خارجی، اجرای تعهدات قراردادی ناممکن می‌شود، اخلاق و حقوق این‌گونه تعهدات را غیرقابل اجرا و در نتیجه ساقط شده می‌دانند. زیرا در برابر ناممکن هیچ الزامی وجود ندارد (امامی، ۱۳۸۲: ۱۹۸) و این مقتضای طبیعی امور است؛ چراکه غیرممکنی تواند موضوع تعهد باشد (آمدی، ۱۳۷۹: ۹۵۱). در حالتی که عدم اجرای تعهد، معلول تقصیر متعهد و منسوب به او نیست، وی مسئولیتی برای جبران خسارات حاصل از آن ندارد. تجلی حقوقی وضعیت موصوف و شرایط و آثار آن که به شکلی ساده و غیر فنی ذکر شد، می‌تواند تحت عنوان قاعده‌ای به نام «عدم امکان اجرای قرارداد» مورد بحث قرار گیرد. به کیفیتی که بتوان براساس آن، اصول و قواعد کلی تعذر اجرای قرارداد، شرایط و اوصاف آن و نیز آثار و نتایج حقوقی آن را به صورت علمی مورد نقد و بررسی قرارداد، لذا باید در این راه ابتدا به تعریف قاعده بپردازیم.

در قانون مدنی ایران بیشترین جایی که در آن به مسائل مربوط به عدم امکان اجرای تعهد پرداخته شده است، مبحث خسارات حاصل از عدم اجرای تعهد (مواد ۲۲۶ الی ۲۳۰ قانون مدنی) است. در این باب غالباً تحت عنوان قوه قاهره (فورس ماژور) تا اندازه‌ای شرایط و احکام عدم امکان اجرای تعهد مورد بحث قرار می‌گیرد (امامی، ۱۳۸۲: ۱۹۷؛ بروجردی، ۱۳۸۰: ۲۳۸؛ السنه‌پوری، ۱۹۵۸: ۱۴۷). هر چند حقوق دانان در شرح و بسط این باب از قانون مدنی قوه قاهره را که یکی از عوامل عدم امکان اجرای قرارداد است مورد بررسی قرار داده‌اند، اما باید توجه داشت، قوه قاهره ناظر به همه علل عدم امکان اجرای قرارداد نیست و این قاعده به عنوان یک قاعده مستقل، به وضعیتی خاص اطلاق می‌گردد که تحت شرایطی خاص و به دلیل بروز علل خارجی که یکی از موارد آن قوه قهریه است، ایجاد شده و مقصود و هدف طرفین از اجرای تعهد را از بین می‌برد.

چنانچه گفتیم آنچه در حقوق ایران از آن به عنوان قاعده عدم امکان اجرای قرارداد یاد کردیم در حقوق انگلیس تحت عنوان نظریه «عقیم شدن»^۳ مورد شناسایی قرار گرفته است که انتفاع هدف یکی از شقوق آن است. یکی از حقوق دانان انگلیسی در تعریف این قاعده چنین نگاشته است: «عقیم شدن، خاتمه زودهنگام قرارداد، به واسطه اوضاع و احوالی است که اجرا را ناممکن یا هدف را منتفی می‌سازد و یا حداقل آن را به طور اساسی متفاوت از آنچه که مورد انتظار و تصور طرفین بود می‌نماید. به گونه‌ای که ملتزم دانستن طرفین به قرارداد غیرمنطقی باشد». وی در ادامه تعریف خویش

^۳ - Frustration

می‌گوید: «قاعده مزبور بر این اصل مبتنی است که غیرممکن شدن بعدی قرارداد خواه به‌طور واقعی و خواه از نظر قانونی به‌گونه‌ای که قابل استناد به طرفین نیست، قرارداد را منحل می‌سازد» (همان: ۵۰۶).

یکی دیگر از مؤلفین حقوق انگلیس در تعریف این قاعده چنین اظهار داشته است: «عقیم شدن، پایان زودهنگام قراردادی است که به‌طور قانونی انعقاد یافته است؛ اما به‌واسطه رخدادی که با اجرا برخورد می‌نماید و یا به‌واسطه تغییر اساسی اوضاع و احوال، به‌گونه‌ای که در هنگام انتفاع قرارداد، رخداد پیش‌آمده مورد انتظار و تصور طرفین نبوده است» (صفایی، ۱۳۸۳: ۹۰). نکته دیگر اینکه، اعمال دکترین عقیم شدن در همه مواردی است که اجرای قرارداد به دلائل مادی یا قانونی ناممکن می‌گردد یا قرارداد به دلیل انتفاع مقصود اساسی طرفین عقیم می‌ماند (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۲۸۹). «انتفاع هدف در قرارداد، هنگامی رخ می‌دهد که در یک شرط ضمنی توافق رخ ندهد و با وجود آن، بدون خطای هیچ یک از طرفین متوقف گردد، فقدان این شرط می‌تولند، مبنایی برای خاتمه قرارداد یا فسخ آن باشد» (همان).

۳. نظریه انتفای هدف در حقوق انگلیس

دکترین عقیم شدن، در ابتدا محدود به عدم امکان مادی یا قانونی نظیر انهدام کالای موضوع قرارداد و غیرقانونی شدن اجرای قرارداد بود؛ اما در حال حاضر، اعمال این نظریه مستلزم عدم امکان اجرای مادی یا قانونی قرارداد نیست؛ بلکه در جای که امکان حصول مقصود اساسی قرارداد از بین می‌رود نیز ممکن است اعمال شود (قمی، ۱۳۲: ۴۴۲). این تحول در نظریه عقیم شدن ابتدا در دعاوی بسیاری که در پی الغای مراسم تاجگذاری ادوارد هفتم، پادشاه انگلستان در سال ۱۹۰۲ مطرح گردیده ایجاد شد. در موضوع این دعاوی قراردادهای بسیاری برای اجاره اتاق‌ها و پنجره‌های مشرف به مسیر برگزاری مراسم، جهت تماشای مراسم تاج‌گذاری و رژه باقیمت‌های بالا منعقد شده بود. همچنین قراردادهایی برای کرایه شناور و قایق، جهت تماشای مانور نیروی دریایی انگلیس که در تجلیل از این مراسم باید برگزار می‌شد، منعقد شده بود. با الغاء مراسم به علت بیماری پادشاه، هدف کرایه کنندگان از اجاره این اماکن و وسائط نقلیه که متعهد به پرداخت مبلغ بالایی نیز به‌عنوان اجاره‌بها شده بودند، عقیم مانده بود (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۳۱۵).

طرح اولیه این عنوان و قاعده که قرارداد به دلیل انتفای هدف عقیم می‌ماند در موضوع دعاوی «کرل» در سال ۱۹۰۳ طرح شد. خواننده قبل از تاریخ برگزاری مراسم تاج‌گذاری ادوارد هفتم پادشاه انگلستان در تاریخ‌های ۲۶ و ۲۷ ژوئن سال ۱۹۰۲ و در تاریخ بیستم این ماه، آپارتمانی را در «پال مال» که مسیر اجرای مراسم بود، جهت تماشای این مراسم و در مقابل اجاره بهایی معادل ۷۵ پوند اجاره نمود و ۲۵ پوند آن را هنگام قرارداد پرداخت کرد. در ضمن قرارداد مقرر گردیده بود که میزان ۵۰ پوند باقیمانده از اجاره‌بها در تاریخ ۲۴ ژوئن یعنی دو روز قبل از آغاز مراسم پرداخت گردد. اما مراسم تاج‌گذاری به دلیل بیماری پادشاه که در آن زمان ۶۰ سال سن داشت، لغو شد. خواهان پس از لغو قرارداد برای دریافت ۵۰ پوند باقیمانده از قرارداد طرح دعوا نمود. اما خواننده، مدعی عقیم ماندن قرارداد گردید و در مقابل چون عملاً نفعی از مورد اجاره نبرده بود خواستار استرداد ۲۵ پوند پرداخت شده گردید. دادگاه در

هر دو مورد به نفع خولنده که خود نوعاً خواهان دعوی دوم شده بود رأی داد و پذیرفت که قرارداد عقیم ملنده و قابلیت اجرای خودش را از دست داده است (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۳۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۶).

دادگاه موضوع قرارداد را نه اجاره یک اتاق ساده، بلکه اجاره اتاق برای تماشای مراسم و فراهم کردن مقدمات تماشای مراسم تلقی نمود و همین اعتبار، لغو شدن مراسم تاج‌گذاری را که اساس و شالوده قرارداد اجاره اتاق را تشکیل می‌داد سبب انتفاء هدف و انحلال قرارداد تلقی کرد (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۷۸۴).

در این پرونده دادگاه اعلام کرد یک قرارداد نه تنها هنگامی که موضوعش از بین می‌رود عقیم می‌ماند، بلکه هرگاه یک شرط ضمنی مربوط به آن تحقق نمی‌یابد، یا وضعیتی از اوضاع و احوال و شرایطی که برای اجرای آن ضروری است و در واقع شالوده آن را تشکیل می‌دهد از بین می‌رود، نیز عقیم خواهد ماند. لازم نیست که این موضوع در قرارداد مورد تصریح قرار گرفته باشد و همین که طرفین به‌عنوان مبنای قرارداد قرار داده باشند، کافی است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۳۱۷). رأی مذکور در حقوق انگلیس با انتقادهای شدیدی مواجه شد؛ اما نویسندگان انگلیسی رأی دادگاه را چنین توجیه نمودند که قرارداد و موضوع آن اجاره ساده اتاق نبوده است، بلکه مفاد قرارداد تهیه و فراهم کردن وسایلی برای تماشای مراسم و حرکت دسته‌جمعی برگزارکنندگان مراسم بود و اجرای مراسم رکن و شالوده قرارداد را تشکیل می‌دهد است که با الغای آن، قرارداد عقیم گردیده است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۷۸۴). مسئله انتفاع هدف در حقوق انگلیس به‌عنوان یکی از علل عقیم ماندن قرارداد، آن‌چنان که ممکن است در بدو امر مطلق به نظر برسد، نیست و دارای محدودیت‌هایی در اجرا است. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های آن این است که اگر هدف یکی از طرفین در قرارداد، عقیم شود، قرارداد عقیم نخواهد شد؛ انتفای هدف، هنگامی رخ می‌دهد که شالوده قرارداد و آنچه مبنای قصد طرفین در قرارداد قرار گرفته، از بین برود.

در بین تألیف‌های حقوقی نمی‌توان نظری را یافت که صرف انتفاع مقصود یکی از طرفین دلیل عقیم ماندن قرارداد تلقی شده باشد، بلکه انتفاع هدف، وقتی موجب انتفاع قرارداد می‌گردد که مقصود قراردادی با لحاظ مبنای اساسی قرارداد و چیزی که شالوده قرارداد را می‌سازد از بین برود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۵۴۳؛ قمی، ۱۳۲۴: ۴۳۰؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۷۸۷). به تعبیر یکی از فرهنگ‌های حقوقی، انتفاع هدف، هنگامی رخ می‌دهد که یک شرط ضمنی توافق رخ ندهد و یا وجودش از بین برود (قمی، ۱۳۲۴: ۴۵۳). ممکن است، انتفاع هدف و عقیم ماندن قرارداد به دلیل تأخیر در اجرای آن باشد. گاهی، تأخیری که قابل استناد به طرفین نیست، سبب ایجاد تفاوت تجاری و درعین حال اساسی قرارداد با صورتی که مورد نظر طرفین بوده می‌شود و هدف آنها را عقیم می‌گذارد و در نتیجه، قرارداد به تمامی یا در جزء بی‌حاصل می‌گردد (قمی، ۱۳۲۴: ۴۵۳؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۳۹). موضوع دعوی جکسون^۴ این چنین بود؛ در نوامبر ۱۸۷۱، کشتی خواهان اجاره شد و در آنجا، محموله‌ای از میله‌های آهنی را به مقصد سانفرانسیسکو بارگیری کند. در تاریخ دوم ژانویه، کشتی حرکت کرد؛ ولی در سوم ژانویه در ساحل کارنادون^۵ به گل نشست. در تاریخ هیجدهم فوریه،

^۴ - Jackson v. Union Marine Co Ltd (۱۸۷۸)

^۵ - Carnadon

کشتی رها شد و برای انجام تعمیرات مجبور شد به لیورپول باز گردد. تعمیر کشتی تا پایان آگوست به طول انجامید. در تاریخ ۱۵ فوریه اجاره‌کنندگان، کشتی دیگری را اجاره نمودند. در دعوی که مالک کشتی علیه اجاره‌کنندگان طرح نمود نظر داده شد که قرارداد عقیم شده است؛ زیرا زمان رهایی کشتی و مدت لازم برای تعمیرش، برای اجاره‌کنندگان قابل‌پیش‌بینی نبود تا کالایی برای آن زمان جهت بارگیری تهیه و آماده گردانند. به‌علاوه تأخیر به‌اندازه‌ای طولانی بود که از نقطه‌نظر تجاری به اهداف طرفین در قرارداد، پایان داده بود (متین، بی تا: ۵۱۴). دادگاه اعلام نمود بارگیری در آگوست، هدف تازه و توافق تازه‌ای را ایجاد می‌نمود و اینکه استفاده از کشتی، پس از زمان تأخیر از نظر هدف و فایده متفاوت از آن است که طرفین، در زمان عقد مدنظر داشته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۳۲).

بدیهی است، تأخیر، به‌خودی‌خود برای عقیم ماندن قرارداد کافی نیست؛ بلکه باید هدف تجاری قرارداد را دگرگون سازد. در دعوی تمپلین^۶ کشتی بخار *F. A Templin* برای مدت ۵ سال و از تاریخ چهارم دسامبر ۱۹۱۲ تا چهارم دسامبر ۱۹۱۷، اجاره داده شده بود. هنگامی که در فوریه ۱۹۱۵ و در شرایط جنگی، دولت کشتی را در اختیار خود گرفت و برای استفاده موردنظر، تغییراتی در ساختمان آن ایجاد نمود، اجاره‌کنندگان می‌خواستند اجاره‌بها مقرر را پرداخت نمایند، اما مالکین مدعی عقیم ماندن قرارداد شدند، با این هدف که با اجاره‌دادن کشتی به دیگران سود بیشتری تحصیل نمایند. مجلس اعیان این ادعا را نپذیرفت و نظر به بقا و اعتبار قرارداد داد. لرد لربون^۷ اظهار داشت وقفه به اندازه کافی عدیده نبوده است که اجرای قرارداد را پس از آن غیرمعقول گرداند و اینکه کشتی می‌توانست، قبل از آنکه مدت پنج سال قرارداد خاتمه یابد، ماه‌های بسیاری، جهت منظور تجارت موردنظر در دسترس باشد ضمناً قرارداد مدت‌دار بوده و منظور تجاری معینی در بین نبوده است که بتواند عقیم بماند؛ بنابراین آنچه در حقوق انگلیس به‌عنوان انتفاع هدف قرارداد یاد می‌شود، عقیم ماندن همان هدفی است که طرفین آن را به‌صورت شرط صریح یا ضمنی در قرارداد ذکر کرده باشند نه شرطی که مدنظر یکی از طرفین بوده است در حیطه توافق قرار نگرفته است.

۴. نظریه انتفاع هدف در فقه اسلامی و حقوق ایران

در حقوق ایران، این موضوع به‌صورت مشخص و منسجمی بررسی نشده است. اما می‌توان از میان قوانین موادی را یافت که قانون‌گذار به‌طور صریح یا ضمنی از قواعد این نظریه استفاده کرده است. از جمله این موارد می‌توان از ماده ۴۸۱ ق.م. در باب اجاره، ماده ۵۲۷ ق.م. در باب مزارعه، ماده ۵۵۱ ق.م. در باب مضاربه و ماده ۹۳ قانون تجارت سابق که در لایحه اصلاحی قانون تجارت در ماده ۱۹۹ با کمی تغییر ذکر شده است نام برد. در میان حقوق‌دانان نیز کم‌تر به‌صورت مستقل و مفصل این مطلب موردتوجه قرار گرفته است و فقط صرفاً یکی از اساتید حقوق ایران این موضوع را موردبحث قرار داده است و از آن به‌عنوان بی‌ثمر شدن قرارداد یاد کرده است و آن را ناشی از حوادثی دانسته

^۶- *Templin (F. A) Steamship Co. Ltd V. Anglo. Mexican Petroleum Products Clotted.* (۱۹۱۶)

^۷- *Lord Lure Burn.*

است که ممکن است بر یک قرارداد وارد شود و ثمره و نتیجه قرارداد را که از آن به عنوان هدف یاد کردیم از بین ببرد (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۱۵ و ۱۱۶).

اما با توجه به اینکه یکی از اساسی‌ترین مبانی حقوق مدنی، فقه اسلامی است ابتدا موضوع را در فقه اسلامی مورد بررسی قرار داده و سپس در حقوق موضوعه در مورد آن به بحث خواهیم نشست.

۴۱. بررسی مبانی فقهی

در فقه عدم قدرت بر اجرای قرارداد یا عدم امکان اجرای قرارداد تحت عنوان تعذر اجرای تعهد و یا تعذر وفا به مضمون عقد مطرح می‌شود؛ چیزی که متعلق عقد قرار گرفته و عمل به آن که مورد قصد و غرض طرفین قرارداد بوده است امکان‌پذیر نباشد، تکلیف ما لایطاق نامیده می‌شود که مورد نفی قرار گرفته است (محقق داماد، بی تا: ۲۷۳). در متون فقهی به موجب قاعده، «بطلان کل عقد تعذر الوفا بمضمونه» (محمدی، ۱۳۷۹: ۲۲۵ و ۲۲۶). وقتی متعاقدين پس از انعقاد عقدی به سببی نتوانند به مفاد آن وفا کنند، عقد به علت تعذر و عدم امکان وفای به آن باطل می‌شود. مفاد این قاعده به معامله خاصی اختصاص ندارد و در همه عقود و معاملات جاری است. حتی در عقود اذنی مثل وکالت نیز می‌توان از این قاعده استفاده کرد. پس مطابق این قاعده چنانچه شخص به دیگری در فروش یا خرید مالی یا سایر تصرفات وکالت بدهد و مال موضوع وکالت تلف شود، عقد وکالت به دلیل تعذر وفا به مضمون آن باطل است؛ بنابراین مقصود از وفا به مدلول عقد عمل کردن به تعهدی است که در اثر وقوع عقد صحیح میان طرفین به عهده هر یک قرار گرفته است. با توجه به اینکه فقها این قاعده را به صورت کلی مطرح ساخته‌اند اطلاق قاعده نه تنها شامل کلیه عقود می‌شود، بلکه شامل اقسام مختلف اموری که موجبات تعذر وفا به مدلول عقد را فراهم می‌آورد نیز می‌شود؛ بنابراین تعذر شخصی، تعذر قانونی و تعذر قهری و نیز تعذر وفا به عقد از باب انتفاع هدف را نیز می‌تواند در دایره، شمول خود داشته باشد. لازم به ذکر است که مجرای قاعده در مورد تعذری است که در ارتفاع آن در اختیار متعاقدين نبوده و از حیطة اقتدار آنان خارج باشد، مثل اینکه قدرت بر تسلیم مبیع در فقه اسلامی و حقوق از شرایط صحت بیع به شمار آمده است؛ بنابراین اگر کبوتر در حال پرواز فروخته شود معامله صحیح نیست مگر آنکه به عادت بازگردد یا به نحوه دیگر قابل تسلیم و تسلیم باشد (مدنی، ۱۳۸۳: ۲۴۹). فقهای امامیه برای توجیه بطلان عقدی که وفا به مدلول آن معتبر است مبانی متفاوتی به شرح آتی را مطرح کرده‌اند.

قاعده نفی ضرر: یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه از جمله عبادات و معاملات به آن استناد می‌شود قاعده لاضرر است که مستند بسیاری از مسائل فقهی است و اکثر فقها راجع به آن بحث‌های مفصلی کرده‌اند که از موضوع بحث خارج بوده و به آن‌ها نخواهیم پرداخت.^۸ برای نفی ضرر و ضرار علاوه بر مستندات شرعی، دلایل

^۸ - برای دیدن بحث‌های فصل راجع به این قاعده نفی ضرر. ر. ک خراسانی، الکفایت الاصول جلد دوم، مکارم شیرازی، قواعد الفقه، جلد اول، انصاری، مرتضی، قواعد الاصول، جلد دوم.

عقلی محکم نیز وجود دارد. در واقع باید گفت که مدلول این قاعده جزء مستقلات عقلیه است و مهم‌ترین دلیل بر حجیت آن مدرک و منبع چهارم فقه یعنی عقل است؛ بدین معنا که عقل ضرر و ضرار را نفی می‌کند.^۹

علاوه بر عقل قاعده لاضرر به شرح مندرج در قرآن مجید مضمون روایاتی که در این باب وارد شده است بر روابط و مناسبات بین مردم حاکم است (مظفر، ۱۳۸۲: ۱۳۴). باتوجه به اینکه پیامبر (ص) در حدیث معروف «لاضرر و لا ضرار فی السلام» وجود ضرر را در قلمرو تشریح نفی کرده، آنجا که عملی منجر به اضرار به شخص دیگری گردد، مورد امضای شارع قرار نخواهد گرفت، بنابراین در مواردی که انجام تعهد با عذر مواجه است، با احراز مورد که از حیطة اختیار متعهد خارج است. هرگونه الزام به انجام تعهد شائبه اضرار در غیر را به همراه خواهد داشت؛ لذا مطابق این قاعده نفی می‌گردد.

قاعده قبح تکلیف مالایطاق: شارع هیچ‌گاه از یک شخص اجرای تکلیفی را که از عهده او خارج است طلب نمی‌کند. از این قاعده که دارای جایگاه عقلی هم در میان عقلاً است تحت عنوان قبح تکلیف مالایطاق یاد می‌شود. در توضیح این قاعده گفته شده است که: «صحت عقد مستلزم عملی به مقتضای ذات آن است و اگر به عللی عمل به مقتضای عقد به چیزی که متعلق به آن عقد نیست عمل شود. این عمل برخلاف مقتضای عقد است. چنانچه نخواهیم به همان چیزی که مورد قصد و غرض قرار گرفته؛ عمل شود و آن متعلق و یا چیزی که در حکم آن است تلف شده باشد، وفا به آن ممکن نخواهد بود و بنابراین تکلیف مالایطاق است که آن هم نفی شده است و نفی لازم به نفی ملزوم منجر می‌شود، پس تکلیف باطل است» (همان: ۱۴۱).

قاعده لزوم ارتفاع نقیضین: در یک معامله موجب صحت و فساد دو امر متقابل‌اند. صحت به معنای تمام و کامل بودن معامله و فساد به معنای عدم کمال و تمامیت شرایط معامله است. پس اگر صحت مرتفع شد به ناچار فساد موجود می‌شود و بالعکس. هرگاه تعذر تسلیم مبیع واقع شود وفا به چنین عقدی در صورت تعذر دائم (برخلاف تعذر کوتاه‌مدت) غیرممکن است و از شمول قاعده «اوفو بالعقود» خارج است؛ زیرا تکلیف به محال غیرممکن است و چون صحت مرتفع شود بطلان حاصل می‌شود؛ چراکه در غیر این صورت، ارتفاع نقیضین لازم می‌آید (موسوی بروجردی، ۱۳۷۹: ۳۸).

قاعده نفی عسرو حرج: در فقه اسلامی منظور از این قاعده آن است که هرگاه تکلیفی عادتاً دشوار و غیرقابل تحمل باشد ساقط می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۰).

در اثبات قاعده، لاجرح آیه: «ما یریدالله لیجعل علیکم من حرج»^{۱۰} یعنی خداوند نمی‌خواهد که حرجی بر شما قرار دهد و آیه «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر»^{۱۱} یعنی خداوند بر شما آسان

^۹ - مستقل عقلی آن است که عقل بدون نیاز به هرگونه زاده فکری دیگر به آن حکم کند مانند قبح زشتی و حسن عدل (مراغی، ۱۲۷۴: ۲۵۴).

^{۱۰} - سوره مبارکه مائده، آیه ۹

^{۱۱} - سوره مبارکه بقره آیه ۱۸۵

می‌گیرد نه دشوار، از قرآن کریم مورد استناد قرار گرفته است این قاعده از نوع رخصت است. در واقع نوعی ترخیص برای شخص واجد این عنوان است تا در صورت تمایل بتواند به استناد این رخصت شرعی و قانونی از حق خود استفاده کرده تا ضیق و حرجی را که با آن مواجه است از دوش خود بردارد.

۴۲. آثار تعذر وفا به مدلول عقد در فقه اسلامی

در متون فقهی چنانچه در خود قاعده هم آمده است اثر تعذر وفا به مدلول عقد بطلان و بلاثر بودن عقد است. بطلان در لغت «خلاف و نقیض حق» معنا شده است (مظفر، ۱۳۸۲: ۹۸). اما در دانش حقوق، اصطلاحی است که بر آن دسته از اعمال حقوقی یا قانونی دلالت دارد که اثر و اعتبار حقوقی ندارند خواه آن عمل از آغاز غیرقانونی باشد و خواه به علت امری عارضی اعتبار قانونی خود را از دست داده باشد (AnsonT ۱۹۵۹: ۲۲). بطلان در این معنا هم فساد و بطلان را شامل می‌شود، زیرا نه فقط برخی از قراردادهای که شرع آن‌ها را صحیح ندانسته است را شامل می‌شود؛ مانند گروبندی، بلکه شامل آن گروبندی از عقود که به دلیل فقدان یا ناقص بودن شرایط اساسی صحت معامله به وجود نمی‌آیند نیز خواهد شد.

در تعریف عقد باطل گفته شده است «ما کان مشروعاً باطله ممنوعاً بوصفه» (قمی، ۱۳۲۴: ۱۲۲)؛ یعنی عقد باطل عقدی است که ذاتاً مشروعیت دارد؛ ولی به دلیل وصف عارضی از فایده افتاده است. با این تعریف از بطلان به دست می‌دهد تعذر وفا به مدلول عقد چه از ابتدا رخ داده باشد چه پس از انعقاد آن عارض شود موجبات بلاثر شدن عقد را فراهم می‌آورد. یکی از نویسندگان معتقد است صور بطلان که از آثار تعذر وفا به مدلول عقد است به شرح زیر است: «الف: عقد در حین انعقاد متعذرالوفا باشد و طرفین به این امر آگاه باشند چنین عقدی از آغاز، باطل است؛ چراکه یکی از شرایط صحت عقد، قدرت بر تسلیم یعنی وفا به مدلول عقد است» (السنهوری، ۱۹۵۸: ۱۴۰). به عنوان مصداق این معنا می‌توان مثالی را مطرح ساخت که در آن در معاملات عهدی مورد تعهد عملی باشد که برای متعهد عمل به تعهد عقلاً غیرممکن است.

(ب) طرفین عقد در حین انعقاد بر این اعتقاد باشند که مدلول عقد ممکن الوفاست، ولی پس از عقد کشف گردد که چنین نبوده، مثل اینکه در عقد بیع، فروشنده و خریدار به خیال آنکه مبیع مقدور التسلیم است معامله کنند و بعد آشکار شود که مبیع در زمان انعقاد عقد غیرقابل تسلیم بوده که در این صورت نیز عقد محکوم به بطلان از حین عقد است (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱).

(ج) مفاد و مدلول عقد در زمان انعقاد ممکن الوفاست، ولی به هر علتی که پس از عقد عارض شده غیرممکن گردد این صورت دو فرض خواهد یافت.

۱- عذر، ابدی و غیرقابل رفع باشد که در این فرض، عقد از زمان تعذر منفسخ می‌شود.

۲- عذر، محتمل الرفع باشد که در این فرض دو حالت متصور است:

الف- وفا به عهد در زمان خاص به طور وحدت مطلوب باشد که در این صورت نیز عقد از زمان تعدر منفسخ می‌شود.
ب- وفا به عهد در زمان خاص به نحو تعدد مطلوب باشد؛ یعنی یک مطلوب، اصل ایفا و مطلوب دوم در زمان مخصوص صورت‌گرفتن ایفا باشد که در این حالت به علت ناممکن شدن مطلوب دوم برای متعهدله خیار فسخ مطرح می‌شود و می‌تواند عقد را فسخ کند یا اینکه آن را فسخ نکند و ایفای عین تعهد را در زمان امکان بخواهد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۴۱).

۵. بررسی نظریه انتفاع هدف در حقوق ایران

در حقوق موضوعه ایران نیز به همان عللی که در بررسی موضوع از فقه مطرح ساختیم و اینکه قواعد حقوق مدنی اغلب دارای منشأ فقهی هستند و بر آن مبانی تنظیم شده‌اند، موضوع به‌صورت مشخص و مدونی مورد بحث قرار نگرفته است. از میان قوانین مختلف و بالاخص مواد مختلف قانون مدنی موادی را در عقود مختلف می‌توان یافت که به طور صریح یا ضمنی انتفاع هدف قرارداد را به علل مختلف مطرح ساخته‌اند. از جمله این مواد می‌توان از ماده ۴۸۱ ق. م در باب اجاره و ماده ۵۲۷ ق. م در باب مزارعه و ماده ۵۵۱ ق م در باب مضاربه و ماده ۹۳ سابق قانون تجارت که در طی لایحه اصلاحی قانون تجارت با کمی تغییر به ماده ۱۹۹ لایحه اصلاحی تبدیل شده است، نام برد.

۵.۱. عقد اجاره

عقودی چون اجاره و مزارعه عقود مستمری هستند که اجرائشان مستلزم باقی ماندن پاره‌ای از شرایط و اوضاع و احوال حاکم است. بقاء امکان انتفاع از عین مستأجره و نیز بقای لوازم اجرای مزارعه، از قبیل آب، شرط اساسی اجرای این عقود است. هرگاه انتفاع خاصی از مورد اجاره مورد تراضی طرفین قرار گیرد و عین مستأجره به عللی انتفاع مذکور را از دست بدهد اجاره باطل خواهد شد (ماده ۴۸۱ ق. م) و یا حداقل اینکه با این نوع از تراضی و حدوث از دست رفتن انتفاع مورد تراضی طرفین مستأجر حق فسخ قرارداد را بر مبنای شرط ضمنی مستتنبط از قرارداد پیدا می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۷۰). به‌عنوان مثال اگر ساختمانی برای احداث یک واحد تیمارستان اجاره داده شود و بیابان مجاور آن به‌وسیله ارتش تبدیل به میدان تیر گردد، بدیهی است که مستأجر با توجه به اینکه تبدیل بیابان مجاور به میدان تیر انتفاع مورد نظر طرفین را به‌علت ایجاد صداهای مهیب ناشی از انفجار بمب یا شلیک گلوله منتفی ساخته است، حق فسخ اجاره را خواهد داشت (همان: ۱۷۱)؛ چراکه حدوث وضعیت فعلی منافی هدفی است که طرفین در تراضی و قرارداد خویش منظور ساخته‌اند البته باید توجه داشت «اعتقاد به انحلال عقد را نیز در حالتی که مقصود اساسی قرارداد از عقد اجاره ناممکن شده است [را] نباید مردود شناخت. زیرا، وقتی انتفاع منظور در عقد از اجاره امکان ندارد و سایر منافع نمی‌تواند جایگزین آن شود، پس باید اجاره را به دلیل عقیم ماندن هدف مطلوب از آن منفسخ دانست» (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۳۹۹ و ۴۰۰).

حکم شماره ۶۴۴ مورخ ۱۳۱۷/۳/۱۱ شعبه چهارم دیوان عالی کشور نیز که در آن اعتدال قرارداد اجاره محل کسب به دلیل ممنوع شدن شغل زهتابی مورد قبول قرار گرفته است نیز مؤید همین مطلب است؛ یعنی با ازدست رفتن هدف مورد تراضی طرفین از عقد اجاره، عقد مذکور منحل می‌گردد در قسمتی از رأی مذکور قضات دیوان چنین مقرر داشته‌اند: «از مواد ۴۷۱، ۴۸۱، ۴۹۶ قانون مدنی و مواد دیگری که در نظایر اجاره، مثل مزارعه و غیره مقرر شده استفاده می‌شود که عین مستأجر تا آخر مدت اجاره باید به قابلیت انتفاع باقی باشد و در صورتی که از ابتدا قابل انتفاع بوده و در اثناء مدت از قابلیت انتفاع خارج شود، از آن زمان به بعد اجاره منفسخ می‌شود؛ بنابراین در جایی که اجاره مثلاً برای اشتغال به زهتابی بوده و شغل مزبور در شهر قدغن شده و منفعتی که مقصود اجاره بوده برای مستأجر ممکن نبوده، می‌توان اجاره را از زمانی که شغل زهتابی ممنوع شده، به موجب مستفاد از مواد مذکور منفسخ دانست».

۵۲. عقد مزارعه

باتوجه به مشابهت عقود اجاره یا مزارعه و مضاربه در استمرار و نوع عقد، این وضعیت می‌تواند در دو عقد اخیر هم رخ دهد. مطابق ماده ۵۲۷ ق.م. «هرگاه زمین به واسطه فقدان آب یا علل دیگر از این قبیل از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد، عقد مزارعه منفسخ می‌شود»؛ بنابراین، اگر در عقد مزارعه قابلیت زراعت خاصی برای زمین قرارداد شده باشد و این قابلیت به هر علتی از بین برود، هر چند امکان انجام زراعت‌های دیگر در آن وجود داشته باشد عقد مزارعه منفسخ می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۸۱). زیرا هدف مورد نظر از عقد مذکور عقیم می‌ماند.

۵۳. عقد مضاربه

مستنداً به ماده ۵۵۱ ق.م در عقد مضاربه نیز در صورتی که تجارتي که مورد نظر طرفین بوده است غیرممکن گردد، عقد مذکور منفسخ می‌گردد. در این مورد نیز غیرممکن شدن تجارت مورد نظر، هدف متعاقدین را در مضاربه (مقصود و سرمایه‌گذار و عامل) ناکام می‌گذارد. به عنوان مثال اگر موضوع مضاربه پذیرهنویسی و خریدوفروش سهام شرکتی باشد که قرار است به وسیله دولت تأسیس شود و سهام آن در اختیار مردم قرار گیرد، چنانچه تصمیم دولت در این باره لغو گردد، روشن است که هدف طرفین عقد عقیم مانده است. البته این مورد متمایز از مواردی است که مضاربه به دلیل تلف سرمایه یا عدم امکان قانونی تجارت عقیم می‌ماند هر چند که این مسائل در عقود نظیر مضاربه که جایز است مشکل کمتری به وجود می‌آورد چرا که در هر صورت، امکان برهم زدن آن‌ها به وسیله هر یک از طرفین وجود خواهد داشت (ماده ۵۵۰ ق.م).

ماده ۱۹۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت . ۵۴

یکی دیگر از موادی که در حقوق موضوعه ایران می‌توان برای به‌دست‌آوردن استفاده عملی از نظریه انتفاع هدف از آن استفاده کرد. ماده ۹۳ قانون تجارت است که در طی لایحه اصلاحی مصوبه ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ با کمی تغییر به ماده ۱۹۹ لایحه اصلاحی فعلی تبدیل شده است.

ماده ۹۳ قانون تجارت منسوخ مقرر می‌داشت.

شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود:

۱- وقتی شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.

چنانچه از نص صریح این ماده هم آشکار است قسمت اخیر این ماده یکی از موارد انحلال شرکت را غیرممکن شدن مقصودی دانسته است که شرکت برای آن تشکیل شده است. به‌عنوان مثال اگر شرکتی جهت ساخت یا تولید مشروبات الکلی در زمان رژیم سابق تشکیل شده بود با حلول انقلاب شکوهمند اسلامی و ممنوع شدن این قبیل معاملات به علت حرمت شرعی آن مقصود اساسی تشکیل شرکت غیرممکن و غیرقابل اجرا می‌شد که مطابق بند اول این ماده شرکت باید منحل می‌شد.

این ماده در طی لایحه اصلاحی با اندک تغییراتی در ماده ۱۹۹ لایحه آمده است که این ماده مقرر می‌دارد.

شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:

۱- وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.

در این ماده اصطلاح «مقصود» مندرج در ماده ۹۳ قانون تجارت منسوخ به اصطلاح «موضوع» تغییر یافته است. اما در نهایت در نتیجه هیچ خللی وارد نمی‌سازد، چرا که هدف مؤسسه‌ساز یک شرکت از تأسیس آن انجام موضوع شرکت است که با غیرممکن شدن اجرای آن موضوع، هدف تشکیل شرکت منتفی می‌شود.

چنانچه در بحث از موضوع، در حقوق انگلیس هم مطرح ساختیم، صرف انتفاع هدف متعاقدين، به‌خودی‌خود، واجد این اثر نیست. هر یک از متعاقدين هدف و مقصودی دارد. روشن است که هرگاه هدف یکی از دو طرف قرارداد عقیم می‌ماند، قاعده مجری نخواهد بود. اگر زمینی خریداری می‌شود تا در آن ساختمان کارخانه‌ای بنا شود و متعاقباً به‌موجب اعلام مراجع دولتی، تأسیس آن در محدوده موردنظر، منع می‌شود، اگرچه هدف خریدار از معامله منتفی می‌گردد، این امر خللی به اعتبار قرارداد وارد نمی‌نماید. همین‌طور است اگر صدور کالایی که به‌منظور صادرات خریداری می‌شود. بنابراین، دواعی و اهداف شخصی هر یک از متعاقدين که محرک او به عقد قرارداد است، موردنظر نمی‌باشد؛ بلکه این اهداف، باید وارد حیطة توافق طرفین شده و مبنای آن را بسازد. شاید از جهاتی، بهتر آن باشد که به‌جای اصطلاح «مقصود یا هدف مشترک»، از آن به «شالوده توافق» تعبیر کنیم؛ یعنی، چیزی که وجودش، مبنای

انعقاد قرارداد و علت آن است؛ هرچند مربوط به منافع یکی از طرفین عقد باشد. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت و به ذکر آن پرداخت، این است که انتفاع هدف که می‌تواند موجب زوال تعهد گردد، ممکن است، از علل مختلفی ناشی گردد. گاهی علت این امر، تأثیر علل مادی است بر اوضاع و احوال پیرامون قرارداد. انهدام دیواره سد در نتیجه زلزله، از این سنخ است. در بعضی از موارد، منشأ انتفاع هدف، قانون است؛ یعنی، قانون بدون اینکه اجرای قرارداد را به طور مطلق ممنوع سازد، موجب انتفاع مقصود طرفین در قرارداد می‌شود؛ مانند ممنوع شدن اشتغال به زهتابی در قرارداد اجاره. اما، در اغلب موارد، علت انتفاع هدف در معنای موردنظر، عدم رخداد چیزی است که مورد انتظار است. مانند عدم بارندگی در عقد مزارعه که اجرای قرارداد را بی‌حاصل و عقیم می‌گرداند. هرچند انجام برخی عملیات موضوع مزارعه، نظیر کاشت و برداشت، از نظر مادی ممکن است، به دلیل عدم بارندگی، این امور بی‌حاصل و عبث می‌شوند. یا در موردی که مزارعه به منظور کشت برنج است و آب به قدر کافی یافت نمی‌گردد، باید قرارداد را عقیم دانست؛ هرچند امکان زرع محصولاتی غیر از برنج، نظیر گندم، جو و ... که نیاز به آب کمتری دارند وجود داشته باشد.

در فقه هم می‌توان، مصادیقی برای این نوع عدم امکان اجراء، یعنی، عقیم شدن قرارداد یافت، برای مثل، گفته شده است: اگر آب قنات یا نهری که زمین مزروعی مورد اجاره از آن مشروب می‌شود، خشک گردد، مستأجر اختیار فسخ خواهد داشت (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۴۴۶). این حکم، درباره مزارعه نیز بیان شده است؛ یعنی، اگر به دلیل فقدان بارندگی و کم‌آبی، امکان زراعت مقصود، منتفی شود، مزارعه منتفی خواهد شد. صاحب جواهر نیز انتفاع منفعت مقصود را در عقد اجاره، سبب بطلان اجاره دانسته است؛ اگر ملکی برای زراعت اجاره شود و ملک مزبور در آب فرو رود، عقد منحل خواهد شد، هرچند بتوان، به صورت دیگری غیر از زراعت، از زمین منتفع گردید؛ بنابراین می‌توان بر این نظر بود که هرچند حقوق ایران و فقه اسلامی عدم امکان اجرای قرارداد به علت انتفاع هدف به طور صریح مطرح نشده است، اما با استفاده از مبانی فقهی و اصول حقوقی موجود قاعده عدم امکان اجرای قرارداد به علت انتفاع هدف در حقوق ایران نیز وجود دارد.

نتیجه‌گیری

مبانی نظری قاعده انتفاع هدف قرارداد و نتایج حاصل از آن مبانی در حقوق ایران همانند حقوق انگلیس وجود دارد. البته به نظر می‌رسد در حقوق ایران نظریه شرط ضمنی قرارداد بیشتر مورد توجه حقوق دانان و قانون‌گذار قرار گرفته است تا سایر مبانی نظری. هرچند از مبنای موردنظر به صراحت در راستای به رسمیت شناختن این قاعده در حقوق ایران استفاده نشده است، اما مفاد این قاعده در قوانین مختلف موردنظر قانون‌گذار ایرانی بوده و در موارد مختلف بدون ذکری از قاعده مذکور عیناً نتایج حاصل از آن مورد پذیرش قرار گرفته است. در فقه اسلامی هم که یکی از مهم‌ترین مبانی حقوق ایران است این قاعده در قالب قواعد فقهی از نظر فقهای اسلامی دور نمانده است و آنها هم سعی داشته‌اند تا در مواردی که هدف قرارداد منتفی می‌شده است با استفاده از قواعد فقهی از قبیل قاعده قبح تکلیف مالا یطاق، قاعده لاضرر، قاعده لزوم ارتفاع نقیضین، قاعده نفی عسر و حرج و قاعده تعذر وفا به مدلول عقد نوعاً ضرر حاصل از انتفاع هدف قرارداد را رفع و دفع سازند. هرچند ایشان هم در نوشته‌ها و اندیشه‌های خویش به صراحت از این قاعده

یادی نکرده‌اند. باتوجه‌به وجود مبانی نظری قاعده در حقوق ایران و فقه اسلامی قانون‌گذار هم از مفاد آن در مواردی چون مواد ۴۸۰، ۵۲۷ و ۵۵۱ قانون مدنی و همچنین در ماده ۹۳ قانون تجارت منسوخ و ماده ۱۹۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت استفاده کرده و رویه قضایی هم در طی رأی ۶۴۴ مورخ ۱۳۱۷/۳/۱۱ شعبه چهارم دیوان عالی کشور آن را تأیید کرده است. در مورد نتایج حاصل از اجرای این قاعده در حقوق ایران، با عنایت به مطالب جمع‌آوری شده در این پژوهش می‌توان قائل به این نظر بود که اجرای این قاعده باتوجه‌به مورد موجب انفساخ یا تعلیق اجرای قرارداد شده و در بعضی موارد هم به یکی از طرفین قرارداد حق فسخ قرارداد را اعطا می‌کند تا بدین‌وسیله ضرر ناشی از عدم امکان اجرای قرارداد از یک یا هر دو طرف قرارداد برداشته شود. همچنین بررسی‌ها حاکی از این است که در مجموعه قوانین حقوقی ایران درباره صنایع دستی خلأها فراوانی وجود دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ:

کتابها

- امامی، سید حسن. (۱۳۸۲). حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- آمدی، سیفال‌الدین. (۱۳۷۹ه.ق). الاحکام فی اصول الاحکام، جلد اول، قاهره: بی‌نا.
- بروجردی عبده، محمد. (۱۳۸۰). حقوق مدنی، تهران: انتشارات مجد.
- السنهوری، عبدالرزاق. (۱۹۵۸). الوسیط فی الشرح القانون المدنی الجدید، جلد سوم، قم: انتشارات دارالحياء التراث العربی.
- شهید ثانی. (بی‌تا). روضه البهیة فی الشرح المعه الدشقیه، جلد سوم، بیروت: انتشارات دارالعلم.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۸۳). حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان.
- طباطبایی حکیم، سید محسن. (۱۴۰۰ه.ق). الصالحین با حاشیه محمد باقر صدر، جلد دوم، نجف: مطبعه العمليه.
- قمی، میرزا ابوالقاسم. (۱۳۲۴ه.ق). جامع‌الشتات، جلد سوم، تهران: چاپ سنگی.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۹). اعمال حقوقی، چاپ هفتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). دوره عقود معین، جلد اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- متین، احمد. (بی‌تا). مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، ارسال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۰، بی‌جا: بی‌نا.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۱). قواعد فقه بخش مدنی (۱)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- محقق داماد، سید مصطفی. (بی‌تا). قواعد فقه، بخش مدنی (۲)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- محمدی، ابوالحسن. (۱۳۷۹). قواعد فقه، چاپ چهارم، تهران: نشر دادگستر.
- مدنی، جلال‌الدین. (۱۳۸۳). حقوق مدنی، جلد سوم، تهران: انتشارات پایدار.
- مراغی، عبدالفتاح بن علی. (۱۲۷۴ه.ق). عناوین الفقیهه چاپ سنگی، تبریز: بی‌نا.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۲). اصول فقه، ترجمه شیرواتی، علی، غروی‌ان محسن، جلد اول، تهران: انتشارات دارالفکر.
- موسوی بجنوردی، محمدحسن. (۱۳۷۹ه.ق). القواعد الفقیه، جلد پنجم، چاپ هفتم، نجف: مطبعه الادب.

نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام، جلد ۲۷، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

مقالات

پربشان، مجید؛ امیرعضدی، طوبی و مهدوی، داوود. (۱۳۸۷). «صنایع دستی و نقش آن در فرایند توسعه ملی با تأکید بر توسعه اقتصادی». اولین همایش ملی توسعه فعالیت‌های اقتصادی.

قصوریان، حوریه؛ عیسائی تفرشی، محمد. (۱۴۰۰). «حمایت از صنایع دستی در نظام حقوق مالکیت فکری ایران؛ با لحاظ مقررات موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری سازمان تجارت جهانی (تریپس)». فصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۲۵، ش ۲، ۱۷۰-۱۳۳.

منابع لاتین

Anson, Sir W. (۱۹۵۹). Principles of the English law of Contract, Oxford University Press, ۲۱th ed .

Cheshire, Fifoot and Furmston. (۱۹۸۶). Law of Contract , ۱۱th ed , Butterworth's , London.

Smith, J. C. and Thomas. (۱۹۹۲). A Casebook on Contract, Sweet & Maxwell, ۹th .ed London.

G. G.G. Robb. (۱۹۶۵). An Outline of the Law of Contract, the state Gazette Limited, ۳th ed London.

Hulsbury's Law of England. (۱۹۸۱). vol. ۹, Butter worth's Publication, ۴th ed. London.

Treitel , G, H. (۱۹۹۱). Law of Contract, Sweet & Maxwell, ۸th ed, London.

Treitel, G. H. (۱۹۸۹). An outline of the Law of Contract, Butterworth's publication . ۴th ed , Londo.

Treitel,G. H. (۲۰۰۴). Frustration and Force Majeure, ۲nd ed ,Sweet & Maxwell.

Walker, David. M. (۱۹۸۰). the Oxford Companion to Law, Claremont Press, Oxford.